

## تأثیر تحقق اصول نظریه فرایند هویت بر هویت محله‌ای ایرانیان مطالعه موردی: محلات شهر اردبیل\*

مریم حسنی قره‌تپه\*\*، جمال‌الدین مهدی‌نژاد\*\*\*، بهرام صالح صدق‌پور\*\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۵/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۷/۱۷

### چکیده

هویت مکانی، هویت شخصی فرد را در رابطه با محیط فیزیکی با استفاده از الگویی پیچیده از ایده‌ها، احساسات، ارزش‌ها، اهداف، ترجیحات، مهارت‌ها و گرایش‌های رفتاری مربوط به یک محیط خاص تعریف می‌کند، که در واقع خودداراکی مبتنی بر تعلق عاطفی به مکان است تا حدی که منتهی به توصیف مکان (کشور، شهر، محله و...) برای اشاره به خود می‌شود. آثار مثبت هویت مکانی، مورد توجه مطالعات بسیاری قرار گرفته است. عضویت در سازمان‌ها و فعالیت‌های داوطلبانه محلی، رفتارهای مسئولانه در قبال محیط‌زیست، تمایل به هزینه دوباره درآمدهای حاصل از برنامه‌های مالی در محله و رضایتمندی از زیبایی شهر از جمله این آثار هستند. از طرفی، ظهور فردگرایی در برخی ابعاد زندگی اجتماعی ایرانیان در سال‌های اخیر مورد توجه مطالعات بسیاری بوده است. بر این اساس و با توجه به اهمیت تصور مثبت از خود در شکل‌گیری هویت مبتنی بر تعلق در میان فرهنگ‌های فردگرا، در پژوهش حاضر؛ تامین اصول نظریه فرایند هویت (IPT) به عنوان عامل موثر بر هویت محله‌ای ایرانیان امروز در نظر گرفته شده است. در راستای بررسی چگونگی اثرگذاری مذکور، مدلی نظری تدوین شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. مشارکت‌کنندگان پژوهش، شامل ۵۰۰ نفر از اهالی بافت‌های مسکونی مختلف شهر اردبیل اعم از محلات تاریخی، شهرک‌های نوساز و بافت حاشیه‌ای هستند. اطلاعات به‌دست‌آمده از پیمایش مقطعی با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت است. نتایج حاصل از بررسی تجربی مدل تدوین شده، وجود روابط معنی‌داری را میان عوامل نشان می‌دهد. بر اساس این مدل، افزایش سطح تامین اصول چهارگانه نظریه فرایند هویت (عزت نفس، تمایز، تداوم و اعتماد به نفس) در محله منجر به افزایش سطح هویت محله‌ای ساکنین می‌شود. همچنین تبیین حدود ۴۰ درصد از واریانس هویت محله‌ای ساکنان شهر اردبیل به واسطه تامین اصول فردگرایانه بریکول را می‌توان به معنای تداوم غلبه فرهنگ جمع‌گرایی در محلات شهر اردبیل دانست.

### واژگان کلیدی

فردگرایی، نظریه فرایند هویت، هویت محله‌ای

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «اصول طراحی کالبد با رویکرد ارتقای هویت مکانی، زمینه پژوهش: محله» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران است.

maryam.hassani@sru.ac.ir

\*\* گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

mahdinejad@sru.ac.ir

\*\*\* گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

bahramsaleh@sru.ac.ir

\*\*\*\* گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

## مقدمه

تعلق مکانی<sup>۱</sup> به تعلق روانشناسانه‌ای اشاره دارد که در ذهن افراد نسبت به محیطشان ایجاد می‌گردد. ویلیامز و راجنبوک (Williams & Roggenbuck, 1989)، تعلق مکانی را شامل دو بعد متمایز هویت مکانی<sup>۲</sup> و وابستگی مکانی<sup>۳</sup> می‌دانند. ویلیامز و واسک (Williams & Vaske, 2003) در تشریح این دو بعد، هویت مکانی را به عنوان تعلق عاطفی و وابستگی مکانی را به عنوان تعلق عملکردی تعریف کرده‌اند (Newell & Canessa, 2018). مطابق با تعریف پروشانسکی (Proshansky, 1978)، هویت مکانی؛ به ابعادی از خود گفته می‌شود که هویت فردی و اجتماعی فرد را در رابطه با محیط فیزیکی با استفاده از ایده‌ها، باورها، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، اهداف و گرایش‌ها و مهارت‌های رفتاری مربوط به این موضوع آگاهانه و ناخودآگاه تعریف می‌کند (Jang et al., 2023). هویت مکانی در واقع خودادراکی مبتنی بر تعلق عاطفی به مکان است تا حدی که منتهی به توصیف مکان (کشور، شهر، محله و...) برای اشاره به خود می‌شود (Hauge, 2007).

آثار مثبت هویت مکانی، آن را مورد توجه مطالعات بسیاری قرار داده‌است. با توجه به نتایج این مطالعات، چگونگی ارتقاء سطح هویت مکانی در جوامع و عوامل تأثیرگذار، اهمیت بسیاری می‌یابند. نظریه‌های مختلفی مانند: هویت مکانی<sup>۴</sup>، هویت اجتماعی<sup>۵</sup> و فرایند هویت<sup>۶</sup> در رابطه با هویت مکانی وجود دارد (Hauge, 2007)، اما در این میان تنها نظریه فرایند هویت<sup>۶</sup> است که به تشریح جزئیات روند شکل‌گیری هویت پرداخته است و شکل‌گیری هویت مکانی نیز با تمام فرایندهایی که در این نظریه به آنها اشاره شده است، مطابقت دارد (Twigger-Ross et al., 2003).

بریکول<sup>۸</sup> به عنوان پایه‌گذار نظریه فرایند هویت، اصول مشخصی را به عنوان عوامل هدایت‌کننده موثر بر شکل‌گیری هویت در جامعه فردگرایی غربی معرفی کرده است (Hauge, 2007). مطالعاتی مختلفی دیگری وجود دارد که به رواج فردگرایی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایرانیان اشاره می‌کنند (میرزایی، ۱۳۸۴؛ بابایی فرد و بارانی، ۱۳۹۸؛ Hosainey, 2010). بنابراین توجه به اصول هدایت‌کننده موثر بر شکل‌گیری هویت مکانی در جامعه فردگرایی غربی را می‌توان در ایجاد هویت مکانی ایرانیان امروز نیز موثر دانست و بسته به میزان تأثیرگذاری، سطح مربوط به آن به شدت غربی و استعماری هستند و دیدگاه‌ها و تجربیات بومی حذف شده‌اند (Galway et al., 2019). از آنجاکه تهدید برای هویت، زمانی رخ می‌دهد که تغییر در بافت اجتماعی مستلزم تغییرات هویتی ناسازگار با اصول هویت‌ساز باشد (Bernardo et al., 2023)، لذا توجه به مطالعات مرتبط با عوامل هویت‌ساز در داخل برای جهت‌دهی تعلق محور، به مداخلات در حوزه محلات موجود شهری و همچنین تدوین اصول طراحی برای ارایه طرح‌های با هویت و هویت آفرین در حوزه مجموعه‌های مسکونی ضرورت دارد. شناسایی و درک عواملی که به هویت یک مکان آن گونه که ساکنان آن، درک می‌کنند، موجب تسهیل برنامه‌ریزی و توسعه هماهنگ با آن هویت می‌شود، که به معنی موافق بودن دگرگونی‌ها با ویژگی یک مکان است (Roszczynska-Kurasinska et al., 2021). اگر چنین انسجامی حفظ نشود، در میان مدت یا درازمدت خطر از بین بردن دلبستگی ساکنان به مکان و در نتیجه شخصیت مکان اتفاق می‌افتد (Bernardo et al., 2017). به همین دلیل، هر گونه مداخله در بافت‌های شهری بعد از شناسایی عوامل موثر بر هویت مکانی ساکنین و در نظرگرفتن آنها را می‌توان زمینه‌سازی در راستای ارتقای هویت معماری محسوب نمود.

تعلق مکانی مزایایی برای افراد دارد که شامل پیوندهای عاطفی افراد با خانه، جوامع و جوامع خود، به ویژه دلبستگی آنها به محیط‌های محلی است (Chan et al., 2024). بر این اساس و با توجه به اهمیت محله و تمرکز اغلب مطالعات مرتبط با تعلق به مکان بر آن به عنوان سکونتگاهی با مقیاس میانی (Lewicka, 2010)، هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر تامین اصول IPT بر هویت مکانی ایرانیان نسبت به محله (هویت محله‌ای) و در صورت تایید این تأثیر، تعیین میزان آن است تا بدین ترتیب برخی از عوامل موثر بر ارتقای هویت محله‌ای در جامعه ایرانی و سطح ارتقای هویت محله‌ای وابسته به آنها مشخص شده، زمینه دستیابی به تبعات مثبت حاصل از این ارتقاء فراهم گردد. از این رو، با توجه به موضوع مورد مطالعه و هدف تعیین شده پرسش‌های اصلی تحقیق به شرح ذیل است:

۱. آیا تامین اصول IPT بر هویت مکانی ایرانیان نسبت به محله (هویت محله‌ای) تأثیر مثبت دارد؟

۲. میزان تأثیر مستقیم تامین اصول IPT بر هویت مکانی ایرانیان نسبت به محله (هویت محله‌ای) چقدر است؟

همچنین بر اساس نتایج حاصل از مطالعه ادبیات موضوع فرضیات ذیل جهت پاسخ به پرسش‌های تحقیق مطرح می‌شود:

۱. تامین اصول IPT بر هویت مکانی ایرانیان نسبت به محله (هویت محله‌ای) تأثیر مثبت دارد.

۲. میزان تأثیر مستقیم تامین اصول IPT بر هویت مکانی ایرانیان نسبت به محله (هویت محله‌ای) با توجه به احتمال تداوم نسبی فرهنگ

جمع‌گرایانه و گزارشات آماری جوامع مشابه حداکثر ۴۰ درصد ارزیابی می‌شود.

## پیشینه تحقیق

مطالعات بسیاری وجود دارند که به بررسی آثار ارتقاء سطح هویت مکانی پرداخته‌اند: عضویت در سازمان‌ها و فعالیت‌های داوطلبانه محلی، رفتارهای مسئولانه در قبال محیط‌زیست، تمایل به هزینه دوباره درآمدهای حاصل از برنامه‌های مالی در محله، رضایتمندی از زیبایی شهر، احساس خوشایندی در فضاهای سبز شهری و ادراک تغییرات منظر و احساس مالکیت و مسئولیت از جمله این آثار است.

(Cuba & Hummon, 1993; Vaske & Kobrin, 2001; Kyle et al., 2003; Brown & Raymond, 2007; Jaśkiewicz, 2015; Knez et al., 2018; Peng et al., 2020, Marzbani et al., 2020, Daryanto & Song, 2021).

پژوهش‌های فراوانی نیز وجود دارد که به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر هویت مکانی نظیر: سطح محل زندگی، تحصیل، سن، جنسیت، طول مدت اقامت، سابقه آشنایی با محل، مالکیت، و برگزاری رویدادهای فرهنگی، آسایش ذهنی (به دنبال درگیری در مسایل محل سکونت) و در معرض تهدید بودن محل سکونت همراه (به شرط استفاده از راهبردهای مقابله‌ای غیرفعال مانند کنترل استرس) پرداخته‌اند.

(Taylor et al., 1985; Hidalgo & Hernandez 2001; Stedman, 2006; Brown & Raymond, 2007; Lewicka, 2010; Anton & Lawrence, 2014; Santos et al., 2014; Lv & Xie, 2017; Lemée et al., 2019, Frost, & Catney, 2020).

بسیاری از مطالعات مذکور که در مقیاس محله و خانه انجام شده، تمرکز خود را بر عوامل اجتماعی و محیطی قرار داده‌اند و کمتر مطالعه‌ای وجود دارد که نظریه فرایند هویت، ساز و کار ایجاد هویت مکانی را با توجه به شرایط اجتماعی مورد توجه قرار داده باشد در مقالات داخل کشور نیز که اغلب تعلق مکانی را مورد توجه قرار داده‌اند (و نه بطور مشخص هویت مکانی را)، در بسیاری از موارد به شکل گزینشی، رویکردی انتخاب شده و به دنبال آن عواملی از ادبیات موضوع استخراج گردیده و مورد ارزیابی میدانی قرار گرفته است و تلاش معناداری برای تبیین ساز و کار ورود مکان‌ها در ساختار هویتی افراد و ایجاد و ارتقای هویت مکانی نشده است.

از جمله پژوهش‌های داخلی انجام شده در این حوزه، مطالعه حیدری، مطلبی و نگین‌تاجی (۱۳۹۳) است که با در نظر گرفتن مشخصات کالبدی معین، به عنوان عوامل شکل‌دهنده تعلق کالبدی، انجام مطالعه تطبیقی میان سکونت سنتی و مسکن جدید شهر شیراز، الگو برداری از خانه‌های سنتی و در نظر گرفتن حیاط و تزیینات درون و بیرون را به عنوان راهکارهای افزایش تعلق کالبدی ساکنین معرفی نموده است. مطالعه کریمی مشاور و نیکوخوی (۱۳۹۷)؛ نمونه دیگری است که در آن سنجش عناصر کالبدی تأثیر گذار بر دلبستگی به محله در دو قسمت از بافت یک محله مسکونی (سنتی و نوساز) براساس شاخص‌های ادراک کیفیت محیط مسکونی ارائه شده است. عابدی و عباسی (۱۳۹۸)، نیز بر مبنای نظرسنجی از مردم شیراز و تحلیل آماری، برخی از خصوصیات کالبدی خانه‌های سنتی را برانگیزاننده تعلق به این خانه‌ها و الگو برداری از آنها در طراحی مسکن جدید را به عنوان راهی برای ایجاد تعلق در ساکنین معرفی می‌دانند. نوروزیان و امید (۱۳۹۹)، هم ضمن توجه مفهومی به موضوع حس مکان، به عنوان یک مفهوم کلی، سطوح مختلف و عوامل آن، تأثیر عوامل کالبدی و عوامل شناختی استفاده‌کنندگان بر احساس افراد نسبت به فضا را بررسی می‌کند. مطالعه انجام شده توسط فرخ نژاد افشار و همکاران (۱۴۰۰) نیز با تمرکز بر یک گروه مشخص (جامعه سالمندان مقیم شهر تهران)، دلبستگی مکانی در میان سالمندان را به عنوان یک عامل موثر بر عملکرد اجتماعی آنان معرفی می‌کند.

روش تحقیق اغلب این مطالعات به جهت هدف (اعم از داخلی و خارجی) از نوع تاییدی بوده و در سنجش گزارشات پیشین علمی با استفاده از روش‌های کمی متفاوتی انجام شده است. بررسی تعلق مکانی در بیشتر مطالعات، به شکل عام اتفاق افتاده است و مشخصاً به هویت مکانی به عنوان بعد خاصی از تعلق اشاره نشده است، در حالیکه برخی از پژوهش‌ها، هویت مکانی را به طور خاص مورد توجه قرار داده‌اند. برخی از مطالعات در حوزه آثار و برخی در حوزه عوامل موثر و بیشتر به صورت کمی انجام شده‌اند و در موارد محدودتر، به بررسی ارتباط مفهومی هویت مکانی با نظریه‌های عمومی تعلق (خصوصاً از جنبه اجتماعی) به طور کیفی پرداخته شده است. لذا، مطالعه‌ای با موضوع پژوهش حاضر که با نگاه بومی هویت مکانی را به طور میدانی بر مبنای نظریه تحلیلی فرایند شکل‌گیری هویت بسنجد، سابقه انجام ندارد. در جدول ۱، به برخی از پژوهش‌های مرتبط با تعلق مکانی می‌پردازد.

جدول ۱- پیشینه پژوهش در منابع خارجی

| مضمون مرتبط با پژوهش حاضر   | یافته‌های کلیدی   | عنوان پژوهش   | نویسنده (سال)  |
|---|---|---|--|
| پیوند عاطفی با خانه و جامعه و مخصوصاً محله، از آثار مثبت تعلق به مکان است.  | آثار تعلق مکانی   | Legacy of culture heritage building revitalization: place attachment and culture identity                         | چان و همکاران<br>(Chan, Lee, Tang & Chen, 2024)                |
| مکان، محدوده جغرافیایی کمک کننده به شناسایی دقیقتر گروه‌های اجتماعی ساکن در آن (در مقیاس‌های مختلف) است.  | ارتباط مفهومی هویت مکانی با نظریه‌های عمومی تعلق (خصوصاً از جنبه اجتماعی) | How to capture place identity contents? A tool for planning interventions   | برناردو و همکاران<br>(Bernardo, Loupa-Ramos & Coelho, 2023)    |
| ارتباط عاطفی افراد نسبت به یک مکان منعکس کننده احساس تعلق آنها به خانواده، جوامع و بخصوص محیط‌های محلی و ارتباطاتشان با آن است.                                       | ارتباط مفهومی هویت مکانی با نظریه‌های عمومی تعلق (خصوصاً از جنبه اجتماعی) | Past, present, and future of pro-environmental behavior in tourism and hospitality: a text-mining approach        | لوریو و همکاران<br>(Loureiro, Guerreiro & Han, 2022)           |
| مشارکت در حمایت از محیط زیست از نتایج تعلق مکانی است.   | آثار تعلق مکانی   | A meta-analysis of the relationship between place attachment and pro-environmental behavior                       | دریانتو و سانتگ<br>(Daryanto & Song, 2021)                     |
| هویت مکانی تأثیر مستقیم مثبتی بر درک تغییرات منظر دارد. کیفیت پایین پروژه‌های یکپارچه‌سازی اراضی روستایی، برداشت مثبت ساکنان روستایی از تغییرات منظر را تضعیف می‌کند. | آثار هویت مکانی   | The influence of place identity on perceptions of landscape change  | پنگ و همکاران<br>(Peng, Yan, Strijker, Wu, Chen & Ma, 2020)    |
| آثار مثبت (مانند جشن همسایگی) و هم منفی (مانند نژادپرستی، تبعیض)  | آثار هویت مکانی   | Intergenerational transmission of place identity  | فارست و کنتی<br>(Frost & Catney, 2020)                         |
| از آثار تعلق به مکان احساس مالکیت و به دنبال آن احساس مسئولیت است.  | آثار تعلق مکانی   | The Sense of Place: Components and Walkability: Old and New Developments in Dubai                                 | مازبانی و همکاران<br>(Marzbani, Awad & Rezaei, 2020)           |
| هویت مکان زمانی افزایش می‌یابد که مکان زندگی در معرض تهدید قرار می‌گیرد و استفاده از راهبردهای مقابله غیرفعال نیز افزایش می‌یابد.                                     | عوامل موثر بر هویت مکانی  | Impact of place identity on the relationship between coastal flooding risk perception and the willingness to cope | لم و همکاران<br>(Lemée, Fleury-Bahi & Navarro, 2019)           |
| اهمیت فضای سبز شهری در هویت مکانی شهروندان  | عوامل موثر بر هویت مکانی  | Investigating about the effects of urban greenery on place identity and wellbeing, and the links between them     | کنز و همکاران<br>(Knez, Ode Sang, Gunnarsson, & Hedblom, 2018) |
| مشارکت اعضای جامعه بر ارزش‌های درک شده تأثیر مثبت می‌گذارد. این امر باعث رفاه ذهنی و احساس تعلق ساکنان میشود.   | عوامل موثر بر هویت مکانی  | Community involvement and place identity  | لو و ایکی<br>(Lv & Xie, 2017)                                  |
| رضایت از زیبایی شهر یکی از تأثیرات هویت مکانی است.  | آثار هویت مکانی   | Place attachment, place identity and aesthetic appraisal of urban landscape                                       | جاکیویس<br>(Jaśkiewicz, 2015)                                  |
| در بین مولفه‌های پیش‌بینی کننده جمعیت شناختی: مدت اقامت و مالکیت بیشترین همبستگی را با هویت مکانی دارند.  | عوامل موثر بر هویت مکانی  | The effect of place of residence on place attachment and community participation                                  | آنتون و لاورنس<br>(Anton & Lawrence, 2014)                     |

| نویسنده (سال)   | عنوان پژوهش  | یافته‌های کلیدی   | مضمون مرتبط با پژوهش حاضر   |
|---|--|---|---|
| سانتوس و همکاران (Santos & Vareiro, Remoaldo & Ribeiro, 2014) | The Role Of Cultural Mega Events In The Enhancement Of City's Image Attributes Differences Between Engaged And Attendee Participants | آثار هویت مکانی   | برگزاری رویدادهای فرهنگی مهم در نتیجه هویت مکانی بر احساس مخاطبان نسبت به تصویر شهر تأثیر بسزایی دارد.  |
| لویکا (Lewicka, 2010)   | Effects of place scale on place attachment   | عوامل موثر بر هویت مکانی  | مدت اقامت و مالکیت دو پیش بینی کننده هویت مکانی هستند.  |
| براون و ریمنود (Brown & Raymond, 2007)                        | The relationship between place attachment and landscape values   | عوامل موثر بر هویت مکانی و تعلق مکانی                                     | هویت مکانی با آشنایی بالا با منطقه همبستگی بالایی دارد و با طول مدت سکونت و حفاظت از محیط زیست رابطه مثبت ضعیفی دارد.   |
| استدمن (Stedman, 2006)  | Understanding place attachment among second home owners  | عوامل موثر بر هویت مکانی و تعلق مکانی                                     | مدت سکونت در یک محله، تأثیر مثبت مستقیمی بر هویت مکانی دارد.  |
| تویگر-راس (Twigger-Ross et al., 2003)                         | Identity theories and environmental psychology. na. In M. Bonnes   | ارتباط مفهومی هویت مکانی با نظریه‌های عمومی تعلق (خصوصاً از جنبه اجتماعی) | ضمن تشریح نظریه هویت اجتماعی معتقدند در این تئوری، هویت مکانی به عنوان زیرمجموعه هویت اجتماعی محسوب می‌شود.   |
| کیل و همکاران (Kyle & Absher & Graeffe, 2003)                 | The moderating role of place attachment on the relationship between attitudes toward fees and spending preferences                   | آثار هویت مکانی   | تمایل به هزینه نمودن مجدد درآمدهای حاصل از برنامه‌های مالی، نتیجه هویت مکانی است.   |
| هیدالگو و هرناندز (Hidalgo & Hernandez, 2001)                 | Comparison between different spatial ranges and dimensions of place attachment   | عوامل موثر بر هویت مکانی و تعلق مکانی                                     | تأثیر سن و جنس در میزان دلبستگی مکانی   |
| وسکا و کوربین (Vaske & Korbin, 2001)                          | Place attachment and environmentally responsible behavior  | آثار هویت مکانی   | رفتارهای مسئولانه زیست محیطی از جمله آثار هویت مکانی بالاست.  |
| کوبا و هامون (Cuba & Hummon, 1993)                            | Identification with dwelling, community and region   | آثار هویت مکانی   | هویت مکانی بالاتر منجر به عضویت فردی در باشگاه‌ها و سازمان‌ها و فعالیت‌های داوطلبانه محلی می‌شود.   |
| تایلور و همکاران (Taylor, Gottfredson, and Brower, 1985)      | Attachment to place: Discriminant validity, and impacts of disorder and diversity  | عوامل موثر بر هویت مکانی  | زندگی در محله‌های بالاتر (متوسط به پایین) و سطح تحصیلات از عوامل موثر بر هویت مکانی هستند.  |
| حیدری، مطلبی و نگین تاجی (۱۳۹۳)                               | تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان   | عوامل موثر بر تعلق مکانی  | الگو برداری از خانه‌های سنتی و در نظر گرفتن حیاط و تزیینات، به عنوان راهکارهای افزایش تعلق کالبدی ساکنین معرفی گردیده است.  |
| مقاله حجت، مظفر و سعادتی (۱۳۹۶)                               | صفات تأثیرگذار خانه در شکل‌گیری دلبستگی انسان به آن  | بررسی مفهومی و ساختاری هویت خانه و معرفی عوامل موثر بر تعلق به آن         | شان اجتماعی، لنگرگاه بودن، بستری برای خاطرات شیرین و بستری برای رفع نیاز رفتارها، صفاتی از خانه هستند که حضور و تعالی آنان می‌تواند منجر به دلبستگی انسان به خانه گردد. |
| فرخ نژاد افشار، ملکوتی، راشدی، و آجری خامسلو (۱۴۰۰)           | بررسی ارتباط دلبستگی مکان و عملکرد اجتماعی   | عوامل موثر بر تعلق مکانی  | دلبستگی مکانی در میان سالمندان قادر به تبیین ابعاد عملکرد اجتماعی آنان است.   |

| نویسنده (سال)                | عنوان پژوهش  | یافته‌های کلیدی          | مضمون مرتبط با پژوهش حاضر  |
|------------------------------|--|--------------------------|--|
| نوروزیان و امید (۱۳۹۹)       | تأثیر مؤلفه‌های کالبدی-اجتماعی بر حس مکان در فضاهای باز مجتمع مسکونی | عوامل موثر بر تعلق مکانی | تراکم کم واحدها، کاهش ارتفاع در سمت دارای دید و منظر بهتر، دید واحدها به فضای سبز، روشنایی و نورپردازی در شب، در ارتقای حس مکان در یک مجتمع مسکونی تأثیر بسزایی دارند. |
| عابدی و عباسی (۱۳۹۸)         | بررسی مفهوم حس تعلق مکانی در خانه‌های ایرانی                         | عوامل موثر بر تعلق مکانی | الگو برداری از خصوصیات کالبدی خانه‌های سنتی در طراحی مسکن جدید، راهی برای ایجاد تعلق در ساکنین است.  |
| کریمی مشاور و نیکوخوی (۱۳۹۷) | نقش عناصر کالبدی و اجتماعی بر دل‌بستگی مکانی                         | عوامل موثر بر تعلق مکانی | ترتیب شاخص‌های تأثیرگذار بر دل‌بستگی مکان در دو بخش سنتی و جدید متفاوت است.  |

## روش تحقیق

### جامعه آماری، انتخاب نمونه و ابزار اندازه‌گیری

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نظر شیوه گردآوری اطلاعات از نوع پیمایشی است و اطلاعات به دست آمده با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری<sup>۱</sup> تحلیل شده‌است. با توجه به ماهیت این پژوهش که بافت اجتماعی عمومی شهر را مورد توجه قرار داده است، بررسی رویکرد عمومی شهروندان شهر اردبیل با توجه به ترکیب جمعیتی مختلف و متنوع آن مورد نظر بوده است و بر این مبنای جامعه مشارکت‌کنندگان پژوهش را، اهالی بافت‌های مسکونی مختلف شهر اردبیل، شامل: محلات تاریخی (طوی، اوچدکان، سرچشمه، گازران، پیرعبدالملک، عالی قاپو)، شهرک‌های نوساز و بافت حاشیه‌ای تشکیل داده‌اند که به طور تصادفی انتخاب شده و به پرسشنامه تدوین شده پاسخ داده‌اند. حجم نمونه، مجموعاً ۵۰۰ نفر تعیین شده‌است که شامل ۲۰۹ زن و ۲۹۱ مرد است. در جدول ۲، ضمن تفکیک محلات به ازای انواع بافت‌های سکونت، تعداد نمونه‌ها را به ازای هر محله مشخص شده است. ابزار اندازه‌گیری پژوهش، ۱۰ گویه را در برگرفته است که شامل ۶ گویه در حوزه هویت محله ای و ۴ گویه در رابطه با سطح تامین IPT است. اعلام نظر مشارکت‌کنندگان در رابطه با هر گویه، در قالب مقیاس ۵ نقطه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) انجام شده‌است. ابزار اندازه‌گیری هویت محله‌ای، از مقیاس تعلق مکانی ویلیامز<sup>۱</sup> اقتباس شده است. این ابزار پیشتر در تحقیقات مختلف معتبر مورد استفاده قرار گرفته است (Kyle et al., 2004; Brown & Raymond, 2007; Anton & Lawrence, 2014; Newell & Canessa, 2018). میزان تامین اصول IPT به ازای هر فرد نیز بر اساس نظریه بریکول به واسطه اندازه‌گیری میزان تامین ۴ اصل هدایت‌کننده موثر بر شکل‌گیری هویت شامل: تداوم، تمایز، اعتماد به نفس و عزت نفس اندازه‌گیری شده‌است.

جدول ۲- توزیع جامعه نمونه در محلات مختلف شهر

| منطقه | محلات  | نوع بافت مسکونی   | جایگاه در هندسه شهر             | تعداد نمونه |
|-------|--|---|---------------------------------|-------------|
| ۱     | محلات ۶گانه: طوی، گازران، سرچشمه، تازه میدان، اوچدکان، ارمنستان، باغمیشه، معجز، کوچه اسلامی، عالی قاپو | بافت کهن شهر (تاریخی)   | مرکز هندسی شهر                  | ۱۵۰         |
| ۲     | نیار، بهارآباد، علی‌آباد   | محلات نسبتاً قدیمی و سنتی (غیرتاریخی)                                     | ضلع شرقی شهر                    | ۱۰۰         |
| ۳     | کارشناسان (فاز ۱، ۲ و ۳)، شهرک آزادی   | محلات نسبتاً جدیدالاحداث و مرفه‌نشین                                      | محدوده غرب به سمت جنوب غربی شهر | ۷۵          |
| ۴     | گل‌مغان  | بافت حاشیه‌ای شهر و مهاجرنشین   | حاشیه شرقی شهر                  | ۲۵          |
| ۴     | سلمان آباد، آرازعلی، دروازه مشکین  | بافت حاشیه‌ای شهر و مهاجرنشین   | حاشیه غربی به سمت شمال غربی شهر | ۷۵          |
| ۵     | زرناس، جهاد، شهرک سینا   | مجموعه‌های مسکونی نسبتاً جدیدالاحداث با ساکنین نسبتاً متوسط از نظر معیشتی | محدوده شمال شرقی شهر            | ۷۵          |
| ۵۰۰   | کل   |   |                                 |             |

## نحوه ارزیابی ابزار و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، پس از حذف پرسشنامه‌ها با گویه‌های بدون پاسخ، نرمال بودن داده‌ها از طریق ارزیابی کشیدگی<sup>۱۱</sup> و چولگی<sup>۱۲</sup> مورد بررسی قرار گرفت. برای نرمال بودن بازه مجاز چولگی از ۳- تا ۳+ و بازه مجاز کشیدگی از ۸- تا ۸+ است (Kline, 2023). بررسی‌ها نشان داد که چولگی داده‌ها در بازه ۰/۳۳۸- تا ۰/۰۶۰ قرار دارد و دامنه کشیدگی در بازه ۰/۵۲۳- تا ۰/۱۵۸- است، بنابراین داده‌ها نرمالند. برای تحلیل داده‌ها، ابتدا تحلیل عامل تاییدی<sup>۱۳</sup> انجام شد تا روابط میان هر عامل با گویه‌های آن و نیز روابط عامل‌ها با یکدیگر مورد ارزیابی قرار گیرد. برای نیل به این هدف، مدل اندازه‌گیری<sup>۱۴</sup> ترسیم شد و بر مبنای اطلاعات به دست آمده از این مدل، پایایی<sup>۱۵</sup> ابزار با بررسی آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی<sup>۱۶</sup> هر کدام از عوامل هویت محله‌ای و اصول نظریه فرایند هویت محاسبه شد. آلفای کرونباخ ۰/۵۰ تا ۰/۷۰ معمولاً نشان دهنده پایایی متوسط، آلفای بالاتر از ۰/۷۰ تا ۰/۹۰ نشان دهنده پایایی بالا و آلفای ۰/۹ به بالا به معنی پایایی عالی است (Hinton et al., 2014). با حذف یک گویه از ۶ گویه عامل هویت محله‌ای (این محله برای من خیلی اهمیت دارد)، پایایی ابزار افزایش یافت. علاوه بر این به بار عاملی<sup>۱۷</sup> هر کدام از گویه‌ها که در مدل تاییدی مشخص شده بودند، توجه گردید. گویه‌هایی با بار عاملی برابر با ۰/۴ و بالاتر را می‌توان شاخص‌های عامل دربرگیرنده آن دانست (Newell & Canessa, 2018). برای بررسی روایی<sup>۱۸</sup> مقیاس، میانگین واریانس استخراج شده<sup>۱۹</sup> مورد توجه قرار گرفت و به این ترتیب همبستگی میان گویه‌های هر عامل مورد سنجش قرار گرفت. روایی همگرا نیز باید کمتر از ۰/۵ و پایایی ترکیبی نباید کمتر از ۰/۶ باشد (Fornell & Larcker, 1981).

برای بررسی روایی واگرا<sup>۲۰</sup>، به همبستگی میان سازه‌ها نیز توجه گردید. قاعده اصلی برای روایی واگرای<sup>۲۱</sup> یک سازه، کمتر بودن ضریب همبستگی میان سازه‌ها از مجذور AVE آن سازه است. شاخص‌های مورد بررسی برای ارزیابی برازش مدل تاییدی در این مطالعه، عبارتند از: خی دو نرمال شده<sup>۲۲</sup>، شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب<sup>۲۳</sup>، شاخص برازندگی<sup>۲۴</sup>، شاخص برازندگی تعدیل شده<sup>۲۵</sup>، شاخص برازندگی تطبیقی<sup>۲۶</sup>، شاخص نرم شده برازندگی<sup>۲۷</sup>، شاخص نرم نشده برازندگی<sup>۲۸</sup> و شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده<sup>۲۹</sup>. برازش قابل قبول مدل منوط به استحصال نتایج ذیل در رابطه با شاخص‌های مورد بررسی است: خی دو نرمال شده کمتر از ۳، AGFI، GFI، NFI و بالاتر از ۰/۹ (Awang, 2015: 57). در رابطه با ترکیب شاخص‌های گزارش شده دیگر: RMSEA برابر یا کمتر از ۰/۰۶، SRMR برابر یا کمتر از ۰/۰۹، CFI بیشتر یا برابر با ۰/۹۶، TLI بیشتر یا برابر با ۰/۹۶ به برازش خوب مدل اشاره می‌کنند (Hu & Bentler, 1999).

## مبانی نظری

### نظریه فرایند هویت

نظریه فرایند هویت، تنها نظریه‌ایست که به تشریح جزئیات در رابطه با روند شکل‌گیری هویت و محتوای آن پرداخته است (Hauge, 2007). طبق نظر بریکول (۱۹۸۶، ۱۹۹۲) در IPT، ساختار هویت دارای دو بعد محتوایی (منشعب شده از هویت اجتماعی و شخصی) و ارزشی (ناشی از ارزیابی بعد محتوایی) و دو فرایند جذب/انطباق و ارزیابی است. این دو فرایند برای ساماندهی ساختار هویت استفاده می‌شوند. جذب، به معنای ورود یک ترکیب جدید به ساختار هویت و تطابق؛ به معنای مرتب‌سازی زنجیره هویت برای گنجاندن آن ترکیب جدید است و ارزیابی؛ به معنایی که به محتوای جدید داده می‌شود، اشاره دارد (Anton & Lawrence, 2014).

روند شکل‌گیری هویت (جذب تا ارزیابی) به وسیله اصول مختلف فرهنگی و از خلال فرهنگ هدایت می‌شود. این ویژگی‌ها به ازای زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف تغییر می‌کنند (Hauge, 2007). نمونه‌ای از این وابستگی، اهمیت بیشتر تصور مثبت از خود در ایجاد رضایت از زندگی در میان فرهنگ‌های فردگرا نسبت به فرهنگ‌های جمع‌گراست (Diener, & Diener, 1995). اصول هدایت‌کننده موثر بر شکل‌گیری هویت در جامعه فردگرای غربی شامل: تداوم<sup>۳۰</sup>، تمایز<sup>۳۱</sup>، اعتماد به نفس<sup>۳۲</sup> و عزت نفس<sup>۳۳</sup> است (Hauge, 2007).

عزت نفس، ادراک انسان از میزان صلاحیتش در حوزه‌هایی است که برای او ارزشمند محسوب می‌شوند (Neff, 2011). عزت نفس نسبتاً پایدار است، البته نه به معنای صفت تغییرناپذیر؛ افرادی که عزت نفس نسبتاً بالا (یا پایین) در دوره‌ای از زندگی خود دارند، احتمالاً در دهه‌های بعد نیز عزت نفس بالا (یا پایین) داشته باشند (Orth & Robins, 2014). اعتماد به نفس به معنای باور انسانها به توانایی‌هایشان برای انجام یک وظیفه مشخص است (Bandura, 1997). در واقع می‌توان گفت که عزت نفس نوعی خصیصه و اعتماد به نفس نوعی عزت نفس در محدوده وظیفه‌ای خاص است (Derya, 2000). طبق تعریف بریکول (۱۹۹۳) تداوم به معنای همسویی رشد و تغییرات انسان با ایده‌آل‌های ذهنی‌اش در خصوص خود است و تمایز به احساس منحصر بفرد بودن انسان اشاره دارد (Anton & Lawrence, 2014) که نیازی انسانی است (Brewer, 1991).

## فردگرایی در ایران

فردگرایی به عنوان مفهومی مدرن، از خلال اعتقاد به «اصالت انسان» یا «اومانیزم» به ظهور رسیده است و بر اهمیت فرد و منافع او تأکید دارد (قادری و القونه، ۱۳۹۶). از نظر تریاندس، وابستگی متقابل با گروه، یکی کردن اهداف شخصی با اهداف درون گروهی و تعیین رفتارها به وسیله هنجارهای گروهی، از ویژگی‌های جمع‌گرایان و استقلال از گروه، ترجیح اهداف فردی بر اهداف جمعی و تعیین رفتار فرد بر مبنای نگرش‌های شخصی از جمله ویژگی‌های فردگرایان است (Singelis et al, 1995 quotes Triandis 1995). در جامعه جمع‌گرا، ساختارهای جمعی مانند خانواده، مذهب، سنت و... بر فرد استیلا تام داشته و رفتار فرد تابعی از این ساختارها قلمداد می‌شود اما در جامعه فردگرا بر استقلال و آزادی فردی تأکید شده و نفع فردی بر نفع جمعی ارجحیت داده می‌شود (آروین و غلامزاده، ۱۳۹۹ به نقل از فاضلی، ۱۳۸۹).

به طور کلی می‌توان برای فردگرایی دوسویه مثبت و منفی در نظر گرفت، سویه مثبت آن با واژگانی نظیر خود اتکایی، خود مرجعی، مسئولیت پذیری مترادف است و سویه منفی آن با واژگانی نظیر انزوا، خودشیفتگی و خودخواهی مترادف است و تجلی آن در فردگرایی خودخواهانه‌ای یافت می‌شود که اساساً مغلظت و توسعه اجتماعی است (وئوقی و میرزایی، ۱۳۸۷). تریاندس و گلنند (۲۰۱۲)، فردگرایی مثبت را یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه یافتگی می‌دانند که معطوف به خودباوری، خودشکوفایی، اعتماد بنفس و استقلال فردی است که همگی از بار ارزشی مثبتی برخوردارند (نیکوگفتار، ۱۳۹۳).

با توجه به اینکه میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه در کشورهای توسعه یافته (که فردگرایی در آنها غلبه دارد) به مراتب بیش از کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه است (بیدل و محمودزاده، ۱۳۹۱)، نحوه اثرگذاری فردگرایی بر توسعه را می‌توان از طریق تشریح رابطه فردگرایی و تعلق اجتماعی تبیین کرد؛ مرحله دوم ساماندهی ساختار هویت در نظریه فرایند هویت بریکول، ارزیابی و معنابخشی است. معنا و ارزشی که در رابطه با جامعه در ذهن مخاطب آن شکل می‌گیرد، از خلال فرهنگ هدایت می‌شود. بنابراین در یک جامعه فردگرا بسته به نوع فردگرایی رایج در آن، تأمین شاخصه‌های منطبق با هر کدام از گرایش‌ها را می‌توان عامل ایجاد ارزیابی مثبت نسبت به آن جامعه دانست. از آنجا که هویت مکانی با تمام فرایندهایی که در نظریه فرایند هویت به آنها اشاره شده است، مطابقت دارد (Twigger-Ross et al., 2003)، شکل‌گیری ارزیابی مثبت نسبت به یک مکان در جامعه فردگرا را نیز می‌توان محصول تأمین شاخصه‌های منطبق با فردگرایی رایج در میان اجتماعی دانست که در آن مکان شراکت دارند.

اما؛ آنچه در رابطه با ارزیابی مثبت افراد از مکان، اهمیت دارد، نه صرف وقوع چنین ارزیابی، بلکه احساس تعلق است که به دنبال آن ممکن است ایجاد شود. در واقع نگاه مثبتی که به دنبال برآورده شدن تمایلات خودخواهانه بوجود آید، بواسطه تضعیف دیگران و تحمیل احساس نابرابری مغلظت اجتماعی و توسعه محسوب می‌شود. هویت مکانی که بریکول روند شکل‌گیری آن را تشریح کرده است، اساساً با تعلق به مکان همراه است، بنابراین هویت مکانی شکل‌گرفته مبتنی بر اصول ۴ گانه او در جوامع فردگرا را می‌توان نتیجه ارزیابی مثبت بواسطه تأمین شاخصه‌های فردگرایی مثبت در این جوامع دانست. بر مبنای نظریه هویت اجتماعی، دل‌بستگی به مکان با هویت اجتماعی رابطه دارد (Maricchiolo et al., 2021). یکی از دلایل اصلی این رابطه، این است که ساکنین خود را به عنوان بخشی از گروه یا گروه اجتماعی محلی یا هویت اجتماعی می‌دانند. هویت اجتماعی وقتی به وجود می‌آید که افراد با استفاده از مقوله‌های اجتماعی تصویری انتزاعی از خود می‌سازند و ادراک آنها بخشی از خودپنداره شان می‌شود.

هویت مکانی زیرمجموعه هویت اجتماعی است (Twigger-Ross et al., 2003). برخی مطالعات نیز احساس تعلق به مکان را اساساً مترادف با تعلق اجتماعی به مردم آن مکان می‌دانند (Uzzell et al., 2002). بر این اساس فردگرایی مثبت را می‌توان زمینه ساز تعلق اجتماعی و از این رهگذر زمینه ساز هویت مکانی دانست. مطالعات بسیاری وجود دارد که به بررسی رابطه ۴ شاخص تداوم، تمایز، کارایی و عزت نفس با هویت اجتماعی و تعلق اجتماعی پرداخته اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود؛

از جمله اصول فرایند هویت عزت نفس است که در واقع نقش «دیگران» در تأمین آن به اندازه‌ای است که در برخی مواقع راهکارهایی نظیر: قطع رابطه با دیگران و تمرکز بر ناکامی‌های دیگران از جمله استراتژی‌های دفاع از عزت نفس در مقابل تهدیدها است (Crocker & Park, 2003). عزت نفس افراد به ویژه به نشانه‌های پذیرش و طرد بین فردی حساس است و شواهد نشان می‌دهند که کیفیت تعاملات بین فردی به ویژه در زمینه‌های خدماتی بر عزت نفس تأثیر بگذارد (Consiglio & Van Osselaer, 2022). در مجموع هویت اجتماعی بر انگیزه افراد برای درگیر شدن در رفتارهایی که به گروه خدمت می‌کند تأثیر می‌گذارد، زیرا باعث ایجاد احساس عزت نفس و تقویت وضعیت عضویت می‌شود (Li et al., 2022).

با توجه به وجود روابط معنی‌دار میان اعتماد به نفس و عزت نفس (Sharp, 2001)، نقش روابط اجتماعی در رابطه با اعتماد به نفس نیز قابلیت توجه می‌یابد. نقش هویت اجتماعی در تمایز که اصل دیگر از اصول هویت بریکول است، از خلال توجه به هویت گروهی تبیین می‌شود. چرا که طبق نظریه اجتماعی افراد برای تمایز گروهی و هویت اجتماعی مثبت تلاش می‌کنند و این نوع تمایز بر هویت اجتماعی و به دنبال آن بر هویت شخصیشان تأثیر دارد (Chan et al., 2024).

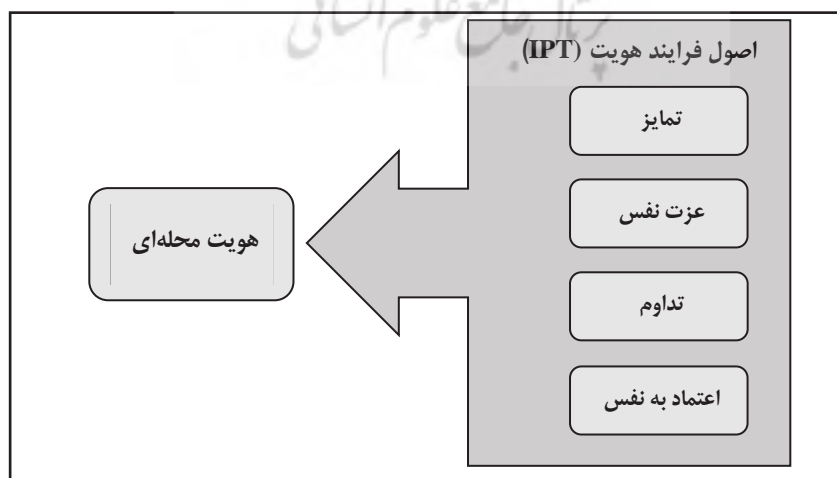
تداوم از جمله اصول فرایند هویت است که دارای رابطه مفهومی با امید و خوشبینی است؛ چراکه یک ساختار شناختی<sup>۳۴</sup> است که بواسطه دربرگرفتن انتظارات مثبت در مورد آینده، موجب انگیزش می‌شود. افراد خوش بین تلاش می‌کنند، در حالی که افراد بدبین از تلاش فاصله می‌گیرند (Carver & Scheier, 2014). استوتلند با طرح نظریه امید، معتقد است که ارزیابی مثبت از حوادث گذشته بر نوع ارزیابی از آینده تأثیر داشته است و این نیز به نوبه خود رضایت فردی را مشروط می‌نماید. البته امید تنها از طریق تجارب فردی و از طریق تکرار نمونه‌های مشابه به دست نمی‌آید، بلکه تعامل و ارتباط با دیگران، در بروز روحیه یأس یا امید در زمینه‌های متعدد اجتماعی عامل تعیین‌کننده‌ای است (مهدی‌زاده و قاری قرآنی، ۱۳۹۷). بر مبنای این شواهد، تأمین چهار شاخصه معرفی شده توسط بریکول را می‌توان مرتبط با هویت اجتماعی افراد و از این رهگذر مرتبط با هویت مکانی شان در جوامع فردگرا دانست.

مطالعات بسیاری وجود دارند که به بررسی فردگرایی در ایران پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج برخی از این مطالعات، ایران از جمله کشورهایی است که در دوره گذار تدریجی از ساختارهای سنتی به ساختارهای مدرن و جهانی قرار دارد و در این میان به واسطه تضعیف ساختارهای سنتی و ورود مفاهیم و الگوهای فرهنگی مدرنیته، پدیده فردگرایی در سطح جامعه به ظهور رسیده است (بابایی فرد و بارانی، ۱۳۹۸) و در حوزه زندگی اجتماعی خصلت شدید فردگرایانه ایرانی به چشم می‌خورد (میرزایی، ۱۳۸۴) و به دنبال بررسی مقایسه‌ای میان جوامع اسکاندیناوی و خاورمیانه از نظر فردگرایی و جمع‌گرایی، به حرکت ایران به سوی فردگرایی در فاصله سالهای ۲۰۰۲م. تا ۲۰۰۷م. اشاره می‌شود (Hosainey, 2010). با این وجود برخی از پژوهشگران، معتقد به تفاوت ماهوی فردگرایی در ایران با فردگرایی غربند، به طور مثال میرزایی (۱۳۸۴) فردیت ایرانی را به دلیل شرایط خاص ساختاری ایران فردیت خانواده‌گرا می‌داند و ظهور فردیت به معنای غربی آن که فردیتی مستقل و تک است را در جامعه منتفی می‌داند (آروین و غلامزاده، ۱۳۹۹). هرچند در برخی گزارشات به وجود فردگرایی در میان خانواده‌ها هم اشاره شده است (Askari et al., 2020). بر اساس این گزارشات و با توجه به اصول هدایت‌کننده موثر بر شکل‌گیری هویت مکانی در جامعه فردگرای غربی شامل: تداوم، تمایز، کارایی و عزت نفس، اصول چهارگانه بریکول را می‌توان از نوع گرایش‌های فردگرایانه مثبت تلقی نمود و آنها را در ایجاد هویت مکانی ایرانیان امروز نسبت به محله (هویت محله‌ای) نیز موثر دانست.

### ساختار مطالعه تجربی

براساس مطالعات انجام‌شده پیرامون ادبیات موضوع، فرضیه تحقیق بدین ترتیب بیان می‌شود که:

تأمین اصول ۴ گانه IPT در رابطه با ایرانیان اعم از: تداوم، تمایز، کارایی و عزت نفس در خانه، موجب ارتقای سطح هویت محله‌ای آنان می‌شود. در رابطه با این فرضیه، مدل فرضی (تصویر ۱) ارائه شده است. در صورت تأیید برازش این مدل بواسطه مطالعات تجربی، اصول IPT را می‌توان عوامل موثر بر هویت محله‌ای دانست.



تصویر ۱- مدل نظری

## مطالعات و بررسی‌ها

**مدل تاییدی و پایایی و روایی ابزار:** نتایج برازش مدل تاییدی، نشان می‌دهند که نسبت خی‌دو (۶۳/۷۹۵) به درجه آزادی آن (۲۶)، برابر با ۲/۴۵ است. شاخص‌های برازش دیگر این مدل مطابق با جدول ۳ است، بر اساس این شاخص‌ها مدل تاییدی برازش خوبی دارد.

جدول ۳- شاخص‌های برازش مدل تاییدی

| SRMR   | TLI   | NFI   | CFI   | AGFI  | GFI   | RMSEA |
|--------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| ۰.۰۴۰۹ | ۰.۹۷۲ | ۰.۹۶۶ | ۰.۹۸۰ | ۰.۹۵۳ | ۰.۹۷۳ | ۰.۰۵۴ |

جدول ۴، بر اساس نتایج به دست آمده از بررسی مدل تاییدی تدوین گردیده است. بر اساس داده‌های این جدول؛ آلفای کرونباخ عامل CPI، بالاتر از ۰/۷ است. بنابراین، این عامل پایایی بالا دارد. به علاوه، بار عاملی متغیرهای این عامل درباره ۰/۶۵ تا ۰/۸۳ قرار داشته، معنی‌دارند (p < ۰/۰۰۱). بنابراین، با توجه به بالاتر بودن از حداقل لازم (۰/۴)، قابل قبول‌اند. پایایی ترکیبی عامل CPI، بالاتر از ۰/۶ است که این عدد نیز به معنای پایایی خوب سازه است. با توجه به بالاتر بودن AVE مربوط به CPI از ۰/۵، این عامل دارای روایی همگرا نیز هست.

جدول ۴- تحلیل عامل تاییدی ابعاد و گزاره‌ها

| شاخص‌ها                      | گویه‌ها   | بار عاملی | پایایی ترکیبی | میانگین واریانس استخراج شده | آلفای کرونباخ |
|------------------------------|---|-----------|---------------|-----------------------------|---------------|
| هویت محله‌ای (CPI)           | CPI Q1. احساس می‌کنم این محله بخشی از من است.   | ۰/۸۰      | ۰/۸۹          | ۰/۶۲                        | ۰/۸۸          |
|                              | CPI Q2. این محله برای من خیلی خاص است.  | ۰/۸۳      |               |                             |               |
|                              | CPI Q3. من به شدت با این محله احساس یکی بودن می‌کنم.                                    | ۰/۸۳      |               |                             |               |
|                              | CPI Q4. من به این محله خیلی تعلق خاطر دارم.   | ۰/۸۱      |               |                             |               |
|                              | CPI Q5. زندگی در این محله خیلی چیزها درباره کیستی من می‌گوید.                           | ۰/۶۵      |               |                             |               |
| اصول نظریه فرایند هویت (IPT) | IPT Q1. عزت نفس: زندگی در این محله به عزت نفس من کمک می‌کند.                            | ۰/۶۲      | ۰/۷۱          | ۰/۳۸                        | ۰/۷۰۵         |
|                              | IPT Q2. تمایز: زندگی در این محله به مشخص شدن و متمایز شدن من در میان دیگران کمک می‌کند. | ۰/۶۴      |               |                             |               |
|                              | IPT Q3. تداوم: به نسبت تغییر من در طول زندگی، این محله برایم مناسب باقی می‌ماند.        | ۰/۷۱      |               |                             |               |
|                              | IPT Q4. اعتماد به نفس: دخالت در مسائل محله موجب افزایش اعتماد به نفس من شده است.        | ۰/۴۹      |               |                             |               |

توجه: اعداد مندرج در جدول از مدل اندازه‌گیری تاییدی تخمین زده شده است.

در رابطه با عامل IPT نیز آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ بوده و پایایی ترکیبی نیز بیشتر از ۰/۶ است بنابراین پایایی میزان بالایی دارد. بازه بار عاملی گویه‌های این عامل (۰/۴۹ تا ۰/۷۱) است و معنی‌داری همه گویه‌ها قابل قبول است (p < ۰/۰۰۱). مقدار AVE عامل IPT، ۰/۳۸ است. این عدد را نیز علیرغم اینکه کمتر از ۰/۵ است، می‌توان قابل قبول دانست، چرا که پایایی ترکیبی IPT به میزان قابل توجهی بالاتر از ۰/۶ است و در این حالت، روایی همگرا قابل قبول می‌باشد (Fornell & David, 1981). چنانچه مندرجات جدول ۵ نشان می‌دهد، مجذور AVE هر دو عامل هویت محله‌ای و اصول نظریه فرایند هویت، بالاتر از میزان همبستگی آن دو با هم است، بنابراین هر دو عامل دارای روایی واگرا نیز هستند.

جدول ۵- میانگین‌ها، انحراف استانداردها و همبستگی‌های میان عوامل

| متغیرها                         | میانگین‌ها | انحراف استاندارد | ۱       | ۲       |
|---------------------------------|------------|------------------|---------|---------|
| ۱. هویت محله‌ای (CPI)           | ۲/۶۰       | ۰/۶۷             | (۰/۸۱۸) |         |
| ۲. اصول نظریه فرایند هویت (IPT) | ۲/۶۱       | ۰/۵۷             | ۰/۶۰۳** | (۰/۸۳۹) |

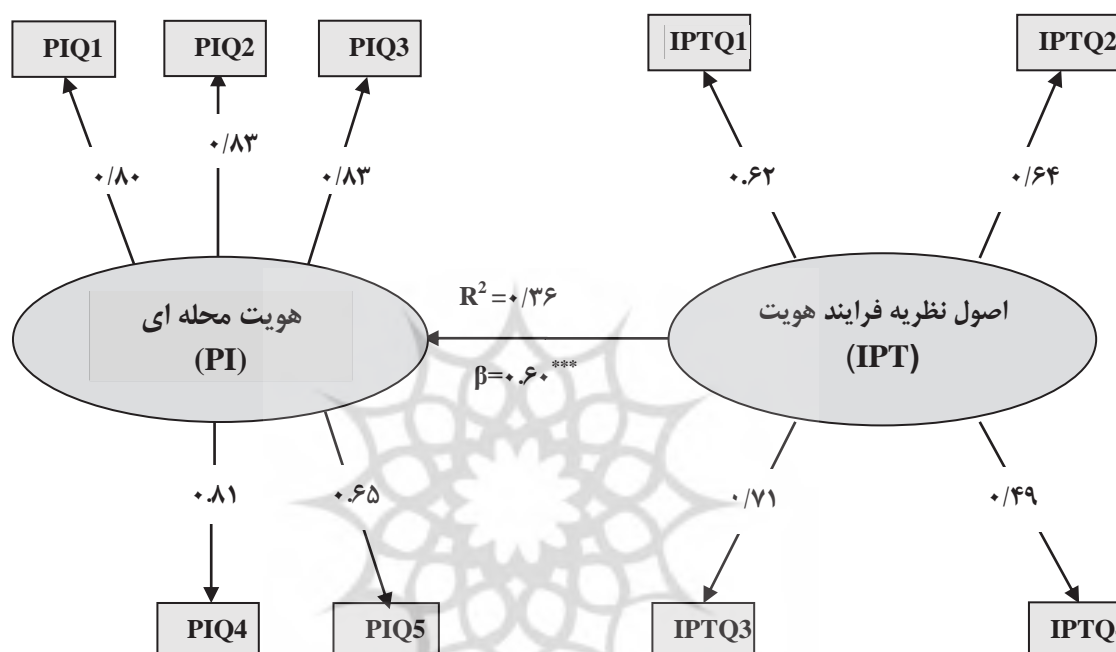
\*\* معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ است؛ همبستگی میان دو عامل از مدل اندازه‌گیری تاییدی تخمین زده شده است؛

اعداد داخل پرانتز مجذور AVE هویت محله‌ای و اصول نظریه فرایند هویت است.

## بررسی مدل فرضی

مدل ساختاری بررسی شده، مدل ترسیم شده بر اساس مدل‌های فرضی و تاییدی است. بررسی شاخص‌های برازش مدل نشان می‌دهد که: نسبت خی‌دو (۶۳/۷۹۵) به درجه آزادی آن (۲۶) برابر با ۲/۴۵، RMSEA برابر با ۰/۰۵۴، GFI مساوی با ۰/۹۷۳، AGFI مساوی با ۰/۹۵۳، CFI مساوی با ۰/۹۸۰، NFI مساوی با ۰/۹۶۶، TLI مساوی با ۰/۹۷۲ و SRMR مساوی با ۰/۰۴۰۹ است. این شاخص‌ها که با شاخص‌های مدل تاییدی یکسانند، نشان‌دهنده برازش خوب مدل هستند. بررسی جدول رگرسیون، نشان دهنده معنی‌داری رابطه میان تامين اصول نظریه فرایند و هویت محله‌ای است. مطابق با نتایج، از میان اصول نظریه فرایند هویت بیشترین بار عاملی (۰/۷۱) به تداوم اختصاص دارد (تصویر ۲).

## یافته‌های تحقیق



توجه: \*\*\* به معنای  $p = 0.001$  و \*\* به معنای  $p = 0.05$  است. اعداد داخل مستطیل‌ها به شماره سوالات مندرج در جدول ۴ اشاره دارد. تصویر ۲- مدل ساختاری: تأثیر تامين اصول نظریه فرایند هویت بر هویت محله‌ای ساکنین

مطابق با یافته‌های تحقیق، افزایش سطح تامين عزت نفس با بار عاملی ۰/۶۲، تمایز با بار عاملی ۰/۶۴، تداوم با بار عاملی ۰/۷۱ و اعتماد به نفس با بار عاملی ۰/۴۹ در محله منجر به افزایش سطح هویت مکانی ساکنین می‌شود. بنابراین، نتایج مطالعاتی همچون مطالعات بریکول و همکارانش در رابطه با اثرگذاری مثبت اصول IPT بر هویت مکانی (Hauge, 2007) و وجود رابطه میان رضایت از مکان<sup>۳۵</sup> و تعلق مکانی را تایید می‌گردد (Ramkissoon et al., 2013).

از میان اصول چهارگانه نظریه فرایند هویت، تداوم دارای بیشترین بار عاملی است. بنابراین تاکید برخی مطالعات مبتنی بر نیاز به تداوم و پایدار بودن، به عنوان منبعی مهم در تامين هویت انسان (Morley, & Robins, 2002) تایید می‌گردد. همچنین با توجه به اینکه مناسب ماندن یک مکان برای انسان تا حد زیادی به تامين نیازها و ضروریات مختلف او به نسبت تغییراتش در طول زمان وابسته است، نتیجه مطالعاتی نیز که وابستگی عملکردی را بر هویت مکانی موثر می‌دانند (Vaske, & Kobrin, 2001)، تایید می‌شود. همچنین با توجه به نتایج مطالعاتی که نشان می‌دهند حدود ۶۰ درصد از افرادی که در یک فرهنگ فردگرا زندگی می‌کنند، فرد محور هستند و در فرهنگ‌های جمع‌گرا نیز حدود ۶۰ درصد از افراد جمع محور هستند (Triandis, & Suh, 2002). تبیین حدود ۴۰ درصد از واریانس هویت محله‌ای ساکنان شهر اردبیل به واسطه تامين اصول فردگرایانه بریکول را می‌توان به معنای تداوم غلبه فرهنگ جمع‌گرایی در محلات شهر اردبیل دانست. این نتیجه موید نتایج به دست آمده توسط بهروان و علیزاده (۱۳۸۶)، معیدفر و صیوری خسروشاهی (۱۳۸۹)، زارعان دولت‌آبادی (۱۳۹۱)، کبیری (۱۳۸۶) و رضایی دولت‌آباد (۱۳۹۲) و آروین و غلامزاده (۱۳۹۹) است، که الگوی بارز را در ایران جمع‌گرایی نشان می‌دهد.

## نتیجه‌گیری

تأثیرگذاری معنادار هر ۴ شاخص مورد نظر بریکول بر هویت مکانی به معنی تصدیق فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر تأمین اصول نظریه فرایند هویت IPT بر هویت مکانی است. بدین واسطه، وجود نسبی فردگرایی در ایران و نتایج گزارشات موجود در رابطه با این موضوع را می‌توان مورد تأیید قرار داد. به جهت ماهیت هویت مکانی که با احساس تعلق همراه است، همچنین بار شخصیتی مثبت شاخصه‌های چهارگانه بریکول، فردگرایی موجود در جامعه ایرانی را می‌توان از نوع فردگرایی مثبت دانست. با توجه به این نتیجه، برای ارتقای سطح هویت محله‌ای، فراهم آوردن شرایطی که منجر به تأمین اصول چهارگانه مذکور شود، ضروری است و جایگاه معماری را در این رابطه می‌توان از منظر نقش آن در تقویت هویت اجتماعی به واسطه تأثیر بر هویت محله به عنوان مکان با سه مولفه هویتی فرم، کالبد و معنا مورد توجه قرار داد. ضمن آنکه، به جهت ماهیت فردگرایی موجود که از نوع مثبت ارزیابی می‌شود تدارک شرایط اجتماعی مناسب جهت عدم جایگزینی آن با فردگرایی منفی ضروری است.

از میان اصول چهارگانه نظریه فرایند هویت، تداوم دارای بیشترین تأثیرگذاری است. بر این مبنا نیاز به تداوم و پایدار بودن، به عنوان منبعی مهم در تأمین هویت جامعه مورد مطالعه تأیید می‌گردد. با توجه به اینکه مناسب ماندن در یک مکان برای انسان تا حد زیادی به تأمین نیازها و ضروریات مختلف او به نسبت تغییراتش در طول زمان وابسته است. تدارک امکانات مقتضی به تناسب نیازها و ضروریات مختلف زندگی آنان، به نسبت تغییرات در طول زمان را می‌توان گامی مهم برای ارتقای هویت محله‌ای ساکنین دانست. این نتیجه با گزارش مطالعاتی که طول مدت اقامت را موثر بر هویت مکانی دانسته‌اند، همسو است.

همچنین؛ تبیین حدود ۴۰ درصد از واریانس هویت محله‌ای ساکنان شهر اردبیل به واسطه تأمین اصول فردگرایانه بریکول نشان دهنده ادامه غلبه فرهنگ جمع‌گرایی در محلات شهر اردبیل است. بر این مبنا پیش بینی راهکارهایی برای پیش‌گیری از غلبه فردگرایی به واسطه زمینه‌سازی برای حفظ جایگاه هویت جمعی در میان ساکنین و به تبع آن حفاظت هر چه بیشتر از انسجام اجتماعی ضرورت دارد.

## پی‌نوشت

1. Place Attachment
2. Place Identity
3. Place Dependence
4. Place Identity Theory

نظریه هویت مکانی توسط پروشانسکی مطرح شده است و بر مبنای شکل‌گیری طرحواره به توضیح نحوه تشخیص هویت مکان می‌پردازد. در این نظریه جزئیات زیادی در رابطه با ساختار و روند هویت وجود ندارد. اما به خوشه‌های ساختاری اشاره می‌شود که رابطه فرد و محیط و نیز رابطه محیط با محیط را در بر می‌گیرند (Hauge, 2007).

### 5. Social Identity Theory

در نظریه هویت اجتماعی، هویت مکانی به‌عنوان زیرمجموعه هویت اجتماعی تعریف می‌شود و در آن بر ترجیح مکان‌هایی با قابلیت حفظ و ارتقاء عزت نفس تأکید می‌گردد (Twigger-Ross et al., 2003).

### 6. Identity Process Theory

با توجه به تعریف هویت مکانی، هویت محله‌ای را می‌توان خودادراکی مبتنی بر تعلق عاطفی به یک محله مشخص تا حد توصیف آن محله برای اشاره به خود تعریف کرد.

7. IPT
8. Breakwell
9. Structural equation modeling (SEM)

۱۰. رجوع شود به: Williams & Rogenbuck, 1989, Williams & Vaske, 2003

11. Skewness
12. Kurtosis
13. CFA
14. Confirmatory Factor Measurement Model
15. Reliability
16. Composite Reliability (CR)
17. Factor Loading

18. Validity
19. Average Variance Extracted (AVE)
20. Convergent Validity
21. Discriminant validity
22. Normed Chi-Square ( $\chi^2/df$ )
23. RMSEA
24. Goodness of Fit Index (GFI)
25. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
26. Comparative fit Index (CFI)
27. Normed Fit Index (NFI)
28. Non-Normed Fit Index (NFI or TLI)
29. SRMR
30. Continuity
31. Distinctiveness
32. Self-efficacy
33. Self-esteem
34. Cognitive Construct
35. Place Satisfaction

## منابع

- آروین، بهاره، و غلامزاده، مهدی. (۱۳۹۹). مطالعه تأثیر فردگرایی و جمع‌گرایی بر فردگرایی در شبکه‌های اجتماعی مجازی (مورد مطالعه: دانشگاه تربیت مدرس). *رسانه و فرهنگ*، ۲۰(۱۰)، ۲۷۶-۲۹۶.
- بابایی فرد، اسداله، و بارانی، مرتضی. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر فردگرایی در میان دانشجویان دانشگاه‌های کاشان و علوم پزشکی کاشان. *توسعه اجتماعی*، ۱۳(۴)، ۱۱۵-۱۵۲.
- بهروان، حسین، و علیزاده، اعظم. (۱۳۸۶). بررسی فردگرایی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. *مجله علوم اجتماعی*، ۱۰، ۱-۲۶.
- بیدل، پری‌ناز، و محمودزاده، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). بررسی میزان تعلق اجتماعی مردم به جامعه ایران و رابطه آن با اعتماد اجتماعی و فردگرایی (مطالعه موردی: شهر مشهد). *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۵(۲)، ۳۱-۶۲.
- حجت، عیسی، مظفر، فرهنگ، و سعادت، پوران‌دخت. (۱۳۹۶). تبیین صفات تأثیرگذار خانه در شکل‌گیری دلبستگی انسان به آن {ارایه یک مدل فرآیند علی}. *معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)*، ۲۲(۲)، ۵۱-۶۲.
- حیدری، علی‌اکبر، مطلبی، قاسم، و نگین تاجی، فروغ. (۱۳۹۳). تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی. *نشریه هنرهای زیبا*، ۱۹(۳)، ۷۵-۸۶.
- رضایی دولت‌آباد، بیتا. (۱۳۹۲). بررسی فردگرایی - جمع‌گرایی و آثار و پیامدهای آن در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز تهران (پایان نامه کارشناسی ارشد). *دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران*.
- زارعان دولت‌آبادی، احمد. (۱۳۹۱). بررسی میزان و عوامل مؤثر بر فردگرایی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی یزد (پایان نامه کارشناسی ارشد). *دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد*.
- عابدی، محمدحسین، و عباسی، سیده فاطمه. (۱۳۹۸). بررسی مفهوم حس تعلق مکانی در خانه‌های ایرانی. *پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی اسلامی*، ۲(۲)، ۴۵-۶۰.
- فرخ نژاد افشار، پویا، ملکوتی، سید کاظم، راشدی، وحید، و آجری خامسلو، مهدی. (۱۴۰۰). بررسی ارتباط دلبستگی مکان و عملکرد اجتماعی در سالمندان. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، ۲۷(۲)، ۱۹۴-۲۰۳.
- قادری، طاهره، و القونه، زهرا (۱۳۹۶). بررسی فردگرایی خودخواهانه و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه شیراز (با تأکید بر طبقه آنها). *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۶(۷۹)، ۱-۳۱.

- کبیری، کامبیز. (۱۳۸۶). بررسی فردگرایی و جمع‌گرایی و آثار آن در سطح تحلیل خرد و کلان (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- کریمی مشاور، مهرداد، و نیکوخوی، مونا. (۱۳۹۷). نقش عناصر کالبدی و اجتماعی بر دل‌بستگی مکانی به روش PREQ (مورد مطالعاتی: محله جولان). معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۱(۲۳)، ۷۵-۸۴.
- معیدفر، سعید، و صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۸۹). بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده. پژوهش نامه علوم اجتماعی، ۴، ۹۳-۱۱۰.
- میرزایی، حسین. (۱۳۸۴). بررسی جامعه‌شناختی فردگرایی در ایران با تأکید بر پیمایش ساکنین شهر تهران (رساله دکتری). دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- نوروزیان ملکی، سعید، و امیدی، ندا. (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی-اجتماعی بر حس مکان در فضاهای باز مجتمع مسکونی. هویت شهر، ۱۴(۴۱)، ۸۷-۹۸.
- نیکوگفتار، منصوره. (۱۳۹۳). رویکرد بین‌رشته‌ای به سلامت اجتماعی مطالعه نقش پیش بین فردگرایی - جمع‌گرایی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۶(۲)، ۵۷-۷۰.
- وثوقی، منصور، و میرزایی، حسین. (۱۳۸۷). فردگرایی: تاملی در ابعاد و شاخص‌ها. نامه علوم اجتماعی، ۱۶(پیاپی ۳۴)، ۱۱۷-۱۴۲.
- Askari, M., Jahanbakhsh, E., & Mohamadi, A. (2020). Lifestyle and individualism of women in Shiraz, Iran.
- Anton, C. E., & Lawrence, C. (2014). Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation. *Journal of environmental psychology*, 40, 451-461.
- Awang, P. (2015). *SEM made simple: A gentle approach to learning Structural Equation Modeling*. MPWS Rich Publication, Bangi.
- Bernardo, F., Almeida, J., & Martins, C. (2017). Urban identity and tourism: Different looks, one single place. *Proceedings of the Institution of Civil Engineers – Urban Design and Planning*, 170(5), 205-216.
- Bernardo, F., Loupa-Ramos, I., & Coelho, R. (2023). How to capture place identity contents? A tool for planning interventions. *Sustainability*, 15(21), 15535.
- Brewer, M. B. (1991). The social self: On being the same and different at the same time. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 17(5), 475-482.
- Brown, G., & Raymond, C. (2007). The relationship between place attachment and landscape values: Toward mapping place attachment. *Applied Geography*, 27(2), 89-111.
- Chan, S. H. G., Lee, W. H. H., Tang, B. M., & Chen, Z. (2024). Legacy of cultural heritage building revitalisation: Place attachment and cultural identity. *Frontiers in Psychology*, 14, 1314223.
- Crocker, J., & Park, L. E. (2003). Seeking self-esteem: Construction, maintenance, and protection of self-worth. In M. Leary & J. Tangney (Eds.), *Handbook of self and identity* (pp. 291-313). Guilford Press.
- Consiglio, I., & Van Osselaer, S. M. J. (2022). The effects of consumption on self-esteem. *Current Opinion in Psychology*, 46, 101341.
- Cuba, L., & Hummon, D. M. (1993). A place to call home: Identification with dwelling, community, and region. *The Sociological Quarterly*, 34(1), 111-131.
- Daryanto, A., & Song, Z. (2021). A meta-analysis of the relationship between place attachment and pro-environmental behaviour. *Journal of Business Research*, 123, 208-219.
- Derya, E. R. E. L. (2000). The concept of self-efficacy and self-efficacy-performance relationship. *Ankara Üniversitesi SBF Dergisi*, 55(4), 13-30.
- Diener, E., & Diener, M. (1995). Cross-cultural correlates of life satisfaction and self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68(4), 653-663.

- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39–50.
- Frost, D., & Catney, G. (2020). Belonging and the intergenerational transmission of place identity. *Urban Studies*, 57(14), 2833–2849
- Galway, L. P., Beery, T., Jones-Casey, K., & Tasala, K. (2019). Mapping the solastalgia literature: A scoping review study. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(15), 2662.
- Hauge, A. L. (2007). Identity and place: A critical comparison of three identity theories. *Architectural Science Review*, 50(1), 44–51.
- Hidalgo, M. C., & Hernández, B. (2001). Place attachment: Conceptual and empirical questions. *Journal of Environmental Psychology*, 21(3), 273–281.
- Hinton, P. R., McMurray, I., & Brownlow, C. (2014). *SPSS explained*. Routledge.
- Hosainey, B. M. (2010). *Individualism and collectivism in the age of globalization: A comparison between a Scandinavian and a Middle Eastern society* (Master's thesis).
- Hu, L. T., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modelling: A Multidisciplinary Journal*, 6(1), 1–5.
- Jang, M., & Lukasiewicz, T. (2023, December). Consistency analysis of chatgpt. In *Proceedings of the 2023 Conference on Empirical Methods in Natural Language Processing* (pp. 15970–15985).
- Javidan, M., & Dastmalchian, A. (2003). Culture and leadership in Iran: The land of individual achievers, strong family ties, and powerful elite. *Academy of Management Perspectives*, 17(4), 127-142.
- Jaśkiewicz, M. (2015). Place attachment, place identity and aesthetic appraisal of urban landscape. *Polish Psychological Bulletin*, 46(4), 573-578.
- Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications.
- Knez, I., Ode Sang, Å., Gunnarsson, B., & Hedblom, M. (2018). Wellbeing in urban greenery: the role of naturalness and place identity. *Frontiers in Psychology*, 9, 491.
- Kyle, G. T., Absher, J. D., & Graefe, A. R. (2003). The moderating role of place attachment on the relationship between attitudes toward fees and spending preferences. *Leisure sciences*, 25(1), 33-50.
- Kyle, G., Graefe, A., Manning, R., & Bacon, J. (2004). Effects of place attachment on users' perceptions of social and environmental conditions in a natural setting. *Journal of environmental psychology*, 24(2), 213-225.
- Lemée, C., Fleury-Bahi, G., & Navarro, O. (2019). Impact of place identity, self-efficacy and anxiety state on the relationship between coastal flooding risk perception and the willingness to cope. *Frontiers in psychology*, 10, 499.
- Lewicka, M. (2010). What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment. *Journal of environmental psychology*, 30(1), 35-51.
- Li, J., Irina, Y. Y., Yang, M. X., & Chen, S. (2022). How needs for belongingness and justice influence social identity and performances: Evidence from the hospitality industry. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 50, 366-374.
- Loureiro, S. M. C., Guerreiro, J., & Han, H. (2022). Past, present, and future of pro-environmental behavior in tourism and hospitality: A text-mining approach. *Journal of Sustainable Tourism*, 30(1), 258-278.
- Lv, Q., & Xie, X. (2017). Community involvement and place identity: the role of perceived values, perceived fairness, and subjective well-being. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 22(9), 951-964.

- Maricchiolo, F., Mosca, O., Paolini, D., & Fornara, F. (2021). The mediating role of place attachment dimensions in the relationship between local social identity and well-being. *Frontiers in Psychology, 12*, 645648.
- Marzbani, M., Awad, J., & Rezaei, M. (2020). The Sense of Place: Components and Walkability. *jps, 5*, 1249.
- Morley, D., & Robins, K. (2002). *Spaces of identity: Global media, electronic landscapes and cultural boundaries*. Routledge.
- Neff, K. D. (2011). Self-compassion, self-esteem, and well-being. *Social and personality psychology compass, 5*(1), 1-12.
- Newell, R., & Canessa, R. (2018). From sense of place to visualization of place: examining people-place relationships for insight on developing geovisualizations. *Heliyon, 4*(2).
- Orth, U., & Robins, R. W. (2014). The development of self-esteem. *Current directions in psychological science, 23*(5), 381-387.
- Peng, J., Yan, S., Strijker, D., Wu, Q., Chen, W., & Ma, Z. (2020). The influence of place identity on perceptions of landscape change: Exploring evidence from rural land consolidation projects in Eastern China. *Land Use Policy, 99*, 104891.
- Proshansky, H. M. (1978). The city and self-identity. *Environment and behaviour, 10* (2), 147-169. <https://doi.org/10.1177/0013916578102002>.
- Ramkissoon, H., Smith, L. D. G., & Weiler, B. (2013). Testing the dimensionality of place attachment and its relationships with place satisfaction and pro-environmental behaviours: A structural equation modelling approach. *Tourism management, 36*, 552-566.
- Roszczynska-Kurasinska, M., Domaradzka, A., Wnuk, A., & Oleksy, T. (2021). Intrinsic value and perceived essentialism of culture heritage sites as tools for planning interventions. *Sustainability, 13*(9), 5078.
- Santos, J. F., Vareiro, L., Remoaldo, P. C. A., & Ribeiro, J. C. (2014). The role of cultural mega events in the enhancement of city's image attributes: differences between engaged and attendee participants.
- Sharp, G. (2001). The Relationship Among Self-Esteem, Self-Efficacy, and Training Performance at a Government-Funded Nuclear Operations Complex in East Tennessee.
- Singelis, T. M., Triandis, H. C., Bhawuk, D. P., & Gelfand, M. J. (1995). Horizontal and vertical dimensions of individualism and collectivism: A theoretical and measurement refinement. *Cross-cultural research, 29*(3), 240-275.
- Taylor, R. B., Gottfredson, S. D., & Brower, S. (1985). Attachment to place: Discriminant validity, and impacts of disorder and diversity. *American Journal of Community Psychology, 13*(5), 525-542.
- Triandis, H. C., & Suh, E. M. (2002). Cultural influences on personality. *Annual review of psychology, 53*(1), 133-160.
- Twigger-Ross, C., Bonaiuto, M., & Breakwell, G. (2003). *Identity theories and environmental psychology*. na.
- Uzzell, D., Pol, E., & Badenas, D. (2002). Place identification, social cohesion, and environmental sustainability. *Environment and behavior, 34*(1), 26-53.
- Vaske, J. J., & Kobrin, K. C. (2001). Place attachment and environmentally responsible behavior. *The Journal of environmental education, 32*(4), 16-21.
- Williams, D. R., & Roggenbuck, J. W. (1989, October). Measuring place attachment: Some preliminary results. In *NRPA symposium on leisure research, San Antonio, TX* (Vol. 9).
- Williams, D. R., & Vaske, J. J. (2003). The measurement of place attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach. *Forest science, 49*(6), 830-840.

## The effect of providing the principles of identity process theory on the Iranian community's place identity (Case study: neighborhoods of Ardabil)

*Maryam Hassani Gharetapeh, Ph.D. in Architecture, School of Architecture and Urban Design, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.*

*Jamaloddin Mahdinejad\*, Professor, School of Architecture and Urban Design, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.*

*Bahram Saleh Sedghpour, Associate Professor, School of Humanities, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran.*

*Received: 2024/8/14*

*Accepted: 2024/10/8*

### Extended abstract

**Introduction:** Place identity is defined as a specific aspect of an individual's identity that emerges from a person's relation to the physical environment, and is expressed through a complex pattern of ideas, feelings, values, goals, preferences, skills, and behavioural tendencies related to a particular environment. It is actually a self-perception based on emotional belonging to a place and leads to the description of the place (country, city, neighbourhood, etc.) to refer to oneself. The positive effects of place identity have attracted the attention of many studies. Membership in local voluntary organisations and activities, responsible behaviour towards the environment, willingness to re-spend income from financial programs in the neighbourhood, and satisfaction with the city's beauty are among these. According to these results, studies that can determine how to improve the level of place identity in societies become very important. There are various theories, such as Place identity, social identity, and identity process in relation to place identity. Still, among these, the only theory is the process of identity, which has explained the details of identity formation. The formation of local identity corresponds to all the methods mentioned in this theory. So, this study takes a novel approach by examining the importance of a positive self-image in the formation of identity based on belonging in individualistic cultures. It presents the principles of identity process theory (IPT), which has been considered an influential factor in the Iranian community's identity. To study how it is mentioned, a model has been developed and analysed.

**Methodology:** The research method used in this article is descriptive-analytical and survey. The participants included 500 residents from diverse contexts in Ardabil, including historical neighbourhoods, newly built towns, and suburbs. The information obtained from the cross-sectional study was analysed using structural equation modelling.

**Results:** The results of the experimental study of the hypothetical model not only provide insights but also have practical implications. They show significant relationships among the factors

**Conclusion:** According to this model, increasing the level of the four IPT principles (self-esteem, efficiency, continuity, and self-confidence) in the neighbourhood raises the identity level of neighbourhood residents. This finding, which explains about 40% of the variance of the Community Place Identity of Ardabil residents, has practical implications for urban planning and community development. It also sheds light on the persistence of collectivist culture in the neighbourhoods of Ardabil city.

**Keywords:** Individualism, Identity Process Theory, Community Place Identity.

\* Corresponding Author's E-mail: Mahdinejad@sru.ac.ir